

مجله‌ی علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه‌ی درسی»
انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران
دوره‌ی پنجم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
صفحه‌های ۷۳-۹۵

ارزشیابی جایگاه هوش فرهنگی در برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

ناصر نوشادی**

رهام رستمی*

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر ارزشیابی جایگاه هوش فرهنگی در برنامه درسی قصد شده رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان بود. جامعه مورد پژوهش شامل تمامی دانشجویان و اعضای هیأت علمی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان و نیز تمامی کتب این رشته بود. همچنین روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی بود. نمونه مورد پژوهش شامل ۱۱۰ نفر از دانشجویان (۲۹ دختر و ۸۱ پسر) و تعداد ۱۱ نفر از اعضای هیأت علمی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان استان فارس در سال ۹۲-۹۳ و تعداد ۸ جلد کتب تخصصی این رشته بود. همچنین کتاب‌های درسی با روش تحلیل محتوای کمی و بر اساس مؤلفه‌های مقیاس ارلی و انگ (۲۰۰۳) مورد سنجش قرار گرفتند. در تحلیل محتوا نیز از پایایی کدگذار بیرونی استفاده گردید. نتایج تحلیل محتوا نشان داد که بیشترین فراوانی مؤلفه‌های هوش فرهنگی در کتاب جامعه‌شناسی توسعه، نظریه‌های جامعه‌شناسی، آسیب‌شناسی اجتماعی و اصول علم سیاست بود. همچنین میزان توجه به مؤلفه‌های شناختی و رفتاری بیشتر از سایر مؤلفه‌ها بود.

کلید واژه‌ها: هوش فرهنگی، برنامه درسی قصد شده، دانشگاه فرهنگیان، استان فارس، مطالعات اجتماعی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی-دانشگاه یاسوج

** عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسؤول) noushadi@yu.ac.ir

پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۳۱

نسخه نهایی: ۱۳۹۵/۳/۲۴

دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۴

مقدمه

از پرسش‌های مهم بشر در طول تاریخ این بوده است که "چرا جنگ؟" (فروید، ۱۳۸۳) و "چرا معضل تعاون داریم؟" (سسیل نورث، ۱۳۷۹). فروید (۱۳۷۸) معتقد بود که از میان سه رنج بزرگ آدمی، ارتباط با دیگران همواره بزرگترین رنج بشر در طول تاریخ بوده است. به نظر می‌رسد به رغم ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آدمی برای تعاون، تعامل و ارتباط اثربخش در جهت همدلی، مدارا، بسط خطا شکیبی، احترام به تفاوت‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز با هم‌نوعان خود؛ هنوز سوء تفاهم، درگیری، جنگ و پرخاشگری در سطوح خرد و کلان و پنهان و آشکار، قابل مشاهده است. یکی از دلایل این غلبه، نفوذ فلسفه آرمانگرایی^۱ به جای فلسفه ترکیبی^۲ است. از آنجایی که راهبرد اصلی فلسفه آرمانگرایی، تشابه، و راهبرد اصلی فلسفه ترکیبی، تکثر است (هریسون و برامسون، ۲۰۰۲)، تداوم چنین فلسفه‌ای همانا ترغیب رویکرد "دانایی" به جای "نادانی" در ارتباطات میان فرهنگی است. در رویکرد دانایی، احساس می‌کنیم که همه چیز را می‌دانیم پس به ذهن‌های دیگران نیازی نداریم و واقعیت بایستی به قامت اندیشه ما درآید، و دیگران بایستی مانند ما بیندیشند و احساس کنند. در صورتی که در رویکرد نادانی، اساس بر خرد جمعی است و اینکه بدانیم که همه چیز را نمی‌دانیم بلکه به ذهن‌های دیگران نیز نیازمندیم. کانت در کتاب نقد خرد ناب با تاکید بر فلسفه ترکیبی، زمینه‌ی گفتمان استعلایی مبتنی بر نقادی را پایه گذاری نمود که بر اساس آن ارتباط بین نظرها و دیدگاه‌ها می‌تواند در رشد شناختی آدمی موثر واقع شود. چنین رویکردی زمینه‌ساز هجرت از "انسان اقتصادی" به "انسان فرهنگی" و به تبع آن بسط سواد میان فرهنگی است. انسانی که احترام به دیگران را نه بر پایه‌ی منافع شخصی و دریافت خیر از سوی دیگری، بلکه ارائه خیر به دیگری تعریف می‌نماید، که یکی از اولویت‌های امروز جامعه ایران است. انسان فرهنگی که رسالتش ایجاد همدلی از طریق پاسخ به دو سؤال است: "آیا باورهایم مورد پذیرش و نقد اعضای جامعه می‌باشد؟" "آیا می‌توانم از دریچه چشم دیگران به مسائل نگاه کنم؟" متخصصان بر این باورند که چنین انسان‌هایی که در جریان ارتباطات انسانی، توانایی و قابلیت شناخت و فهم ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی دیگران را دارند، صاحب "هوش فرهنگی"^۳ هستند (ارلی و انگ، ۲۰۰۳).

در بسیاری از موارد همانند دنیای کسب و کار و اقتصاد و یا فضای علمی و دانشگاهی و یا

رهبری و مدیریتی، لازم است افراد برای جذب مشتری و یا رهبری منسجم و مدیریت اثربخش سایر افراد و گروه‌ها، از قابلیت‌های هوشی خاصی استفاده کنند؛ به گونه‌ای که با شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات روحی و روانی و فرهنگی افراد مقابل و چارچوب تفکرات آن‌ها می‌توان راحت‌تر و ساده‌تر به ایجاد ارتباط و درک متقابل رسید و از این طریق به مقاصد علمی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و سیاسی خود دست پیدا کرد.

با توجه به آنچه گفته شد پرسشی که مطرح می‌باشد این است که "آیا هوش فرهنگی در برنامه درسی یک مسأله نیست؟"

بیان مسأله

جامعه بزرگترین سازمان اجتماعی است که افراد خود را متعلق بدان می‌دانند. هسته‌ی اصلی و عامل شکل‌گیری، حفظ و دوام این سازمان بزرگ را کنش‌های متقابل و تعاملات اجتماعی مستمر و الگو مند افراد در عرصه‌ها و سطوح مختلف تشکیل می‌دهد. در هر جامعه شبکه‌های گسترده و متنوعی از کنش متقابل درونی و بیرونی (ارتباط با سایر جوامع) وجود دارد که بدون آن، حیات اجتماعی و دوام آن غیر ممکن خواهد شد. هر کنش متقابل در مقام تحقق به مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها و مبانی مشترک متکی است که خود نیز به تدریج در شکل‌گیری و تعدیل آن‌ها نقش آفرینی می‌کند. وجود مجموعه‌ای از اطلاعات، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، نمادها، هنجارها و الگوهای مشترک که تحت عنوان فرهنگ قرار دارند و بنیادی‌ترین مقومات کنش اجتماعی محسوب می‌شوند. جوامع بشری به واسطه دست‌یابی به فن‌آوری‌های مدرن ارتباطی و مواصلاتی و حذف بسیاری از موانع و محدودیت‌های فیزیکی و فرهنگی پیشین و نیز تحت تاثیر تجربیات ناشی از ارتباطات متقابل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نیز درک ضرورت کارکردی ارتباط و تعامل به عنوان یک نیاز اجتناب ناپذیر، به طور فزاینده‌ای به یکدیگر نزدیک شده و نوع خاصی از بودن و شدن را تجربه می‌کنند (کونگ، ۱۳۸۹).

از هنگامی که اصطلاح دهکده جهانی^۱ توسط مک لوهان ابداع شد، ارتباطات فرهنگی، مسأله-ای مهم در زیست جهان انسانی را به خود اختصاص داد. جایی که زندگی قبیله‌ای پایان و مفهوم جامعه آغاز می‌شود. نه دهکده بزرگ جهانی که خصوصیات قبیله‌ای را در مقیاس وسیع‌تر محفوظ

1. Global village

می‌دارد بلکه دهکده‌ای که با درک و فهم دیگری و با سعه صدر به تفاوت‌ها احترام گذاشته و نقادی یکدیگر را بخشی از رشد ظرفیت‌های انسانی تعریف می‌کند.

این ظرفیت‌ها ناشی از این است که آدمی مهارت‌های شناختی گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها هوش فرهنگی است که جزو مهارت‌های اجتماعی-شناختی قرار می‌گیرد (هرمن، کال، للوردا و توماسلو، ۲۰۰۷). یکی از توانایی‌هایی که انسان را از سایرین متمایز می‌کند، مهارت تعامل مؤثر در فرهنگ‌های گوناگون است، این موضوع آنگاه اهمیتش دوچندان می‌شود که فضای جهانی با رشد بسیار سریع و ارتباطات همراه می‌باشد و این در حالی است که انسان‌ها بر روی کره زمین دارای ده‌ها فرهنگ و خرده فرهنگ خاص خود می‌باشند، که به هنگام ارتباط علمی، فرهنگی، هنری و اقتصادی می‌تواند باعث سوء تفاهم، عدم درک کلامی و غیر کلامی و بروز رفتار نامناسب در ارتباط گردد (تسلیمی و همکاران، ۱۳۸۸).

رشته مطالعات اجتماعی پیوند نزدیکی با مقوله فرهنگ و به تبع آن با هوش فرهنگی و ایجاد یک ارتباط مؤثر و تعامل مثبت با سایر انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف دارد، به بیان دیگر رشته مطالعات اجتماعی توانایی ارتقای "سواد میان فرهنگی" در بین آحاد جامعه را دارد.

در این میان برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی، از ظرفیت و قابلیت بالایی برای پرورش هوش فرهنگی برخوردار است، که خود این امر نیز زمینه ساز تعامل اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و درک درستی از تفاوت‌ها به دست می‌دهد. برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی می‌تواند از طریق پرورش هوش فرهنگی زمینه‌ی تجربه تکثر فرهنگی را فراهم ساخته و به یادگیرندگان کمک نماید تا درک بهتری از خود به عنوان فرد و نیز عضوی از جامعه به دست آورند (ایونز، فیتون، هیلدبرند، ۲۰۰۶).

آگاهی از فرهنگ‌های مختلف، باعث شده تا اهمیت ارتباطات فرهنگی و شناخت الگوهای فرهنگی سایر ملل و آداب و رسوم دیگر اقوام برای افراد جامعه به ویژه افراد تحصیل کرده دوچندان گردد. این توانایی در میان پژوهشگران تحت عنوان موضوعی به نام هوش فرهنگی مطرح می‌باشد که رسالتش افزایش قابلیت و توانمندی افراد در جهت فهم و عملکرد مناسب در میان طیف گسترده‌ای از فرهنگ‌ها را می‌دهد (توماس، ۲۰۰۶).

بنابراین در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی و همدلی و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از طلاق، مشاجرات و درگیری‌های قومی و مذهبی و کاهش سوء تفاهم‌های ناشی از تفاوت‌های

فرهنگی، پژوهش حاضر سعی دارد تا جایگاه هوش فرهنگی را در برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان که در آینده مجریان برنامه درسی خواهند بود ارزشیابی نماید. نتیجه آنکه، اگر برنامه درسی مشتق از فرهنگ است (بنت و آنروح، ۱۹۶۹) پس بایستی تکثر فرهنگی را به نمایش بگذارد نه تحت سلطه گروهی خاص باشد (اپل، ۲۰۰۴).

مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین

درک این موضوع بسیار مهم شده است که چرا عملکرد بعضی از افراد در محیط‌هایی که دارای تنوع فرهنگی است بسیار مؤثرتر و بهتر از دیگران است (اریز و ارلی، ۱۹۹۳، الفند، اریز و آیکن، ۲۰۰۷). در پاسخ به این نیاز، ارلی و انگ در سال (۲۰۰۳) از نظریه چندبعدی هوش استرنبرگ و درتمن (۱۹۸۶) به تعریف و توسعه‌ی مفهومی به نام «هوش فرهنگی» پرداختند و آن را توانایی و قابلیت مؤثر افراد برای عملکرد مناسب و مؤثر در شرایط متفاوت فرهنگی تعریف کردند (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸). همچنین پیترسون (۲۰۰۴) منشاء هوش فرهنگی را هوش چندگانه معرفی می‌کند و می‌نویسد: "از گاردنر و گلنن یاد گرفتیم که هوش فرهنگی را در نظر بگیریم؛ بنابراین، هوش فرهنگی یک موضوع منحصر به فرد و حیاتی است که از جنبه‌های مختلف، از هوش چندگانه گاردنر نشأت می‌گیرد".

هوش فرهنگی در راستای هوش عاطفی و اجتماعی است. هوش عاطفی فرض می‌کند که افراد، با فرهنگ خود آشنا هستند، بنابراین برای تعامل با دیگران از روش‌های فرهنگ خودی استفاده می‌کنند؛ هوش فرهنگی جایی نمود می‌یابد که هوش عاطفی ناتوان است یعنی در جایی که با افرادی در محیط‌های ناآشنا سروکار داریم (ارلی و موساکوفسکی، ۲۰۰۴).

از آنجا که هنجارها برای تعاملات اجتماعی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت می‌باشد، لذا به نظر نمی‌رسد که هوش شناختی به تنهایی بتواند در سازگاری یا در عملکرد مؤثر افراد در فرهنگ‌های ناآشنا موفق باشد (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸). مفهوم هوش فرهنگی برای نخستین بار توسط ارلی و انگ (۲۰۰۳) از محققان مدرسه اقتصادی لندن مطرح شد. این دو، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند (بنتون، ۲۰۰۹). هوش فرهنگی نظریه‌ای گسترده از رویکردهای معاصر در خصوص درک هوش می‌باشد (ارلی و انگ، ۲۰۰۳). هوش فرهنگی به صورت توانایی عملکرد مؤثر در

محیط‌های متنوع فرهنگی تعریف می‌شود، به طور سنتی مطالعه بر روی هوش، بر روی عامل (g) یا عامل شناختی هوش تمرکز داشته است اما بیشتر تحقیقات اخیر، بر روی نظریه هوش چندگانه (استرنبرگ ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) که بر قابلیت تطابق با دیگران صورت گرفته، می‌باشد (انگ، داین و گه، ۲۰۰۶). ارلی و انگ (۲۰۰۳) معتقد بودند در مواجهه با موقعیت‌های فرهنگی جدید، به زحمت می‌توان علائم و نشانه‌های آشنایی یافت که بتوان از آن‌ها در برقراری ارتباط سود جست. در این موارد، فرد باید با توجه به اطلاعات موجود، یک چارچوب شناختی مشترک تدوین کند، حتی اگر این چارچوب درک کافی از رفتارها و هنجارهای محلی نداشته باشد. تدوین چنین چارچوبی تنها از عهده کسانی بر می‌آید که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار باشند (نائیجی و عباسعلی زاده، ۱۳۸۶). از آنجایی که هوش فرهنگی توانایی رفتار به شیوه‌ای مناسب در موقعیت‌های دارای تنوع فرهنگی می‌باشد، می‌توان آن را جز مؤلفه‌های اصلی در ارزیابی شایستگی فرهنگی قلمداد کرد. هوش فرهنگی یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی دانسته شده است، که از تنوع فرهنگی برخوردارند، این تعریف با رویکردهایی که هوش را یک توانایی شناختی می‌دانند، توافق بیشتری دارد (ارلی و پیترسون، ۲۰۰۴). بنابراین، هوش فرهنگی نوعی مکمل هوش است که می‌تواند تغییرپذیری در فائق آمدن با تنوع و کار کردن در شرایط فرهنگی جدید را توصیف کند (انگ و داین، ۲۰۰۸).

مطابق با این تعریف، در واقع هوش فرهنگی با تمرکز بر قابلیت‌های خاصی که برای ارتباطات اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم است، بر جنبه‌ای دیگر از هوش شناختی تمرکز دارد. هوش فرهنگی همچنین بینش‌های فردی را در بر می‌گیرد که برای انطباق با موقعیت‌ها و تعاملات میان فرهنگی و حضور موفق در گروه‌های کاری چند فرهنگی مفید است (پیترسون، ۲۰۰۴). هوش فرهنگی توانایی چالش در یک موقعیت رفتاری است که باعث استفاده از مهارت‌ها (مثل زبان و مهارت‌های میان فردی) و ویژگی‌ها (نظیر حد تحمل ابهام و انعطاف پذیری) شده و منجر به تنظیم مناسب رفتار شخص بر مبنای ارزش‌های پایه فرهنگی و نگرش شخص مقابلی که در حال تعامل با او هست می‌شود (پیترسون، ۲۰۰۴).

هوش فرهنگی نوعی از هوش است که ارتباط بسیار زیادی با محیط کاری متنوع دارد. توانایی فرد برای تطبیق با ارزش‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم متفاوت از آنچه که در زمینه‌ی فرهنگی خود به آن عادت کرده است و کار کردن در یک محیط متفاوت فرهنگی، معرف هوش فرهنگی است. هوش

فرهنگی شکل ویژه‌ای از هوش است که بر توانایی افراد بر درک و فهم دقیق در شرایط مشخص و محیط‌های متنوع تأکید می‌کند (انگ و ون داین، ۲۰۰۸) و همانند هوش هیجانی (EQ) مکملی برای هوش شناختی می‌باشد و هردو برای کسب موفقیت در کار و ارتباطات شخصی مهم هستند و به طور فزاینده‌ای در جهان به یکدیگر وابسته می‌باشند (ارلی، ۲۰۰۲ به نقل از انگ و ون داین، ۲۰۰۸).

از این رو، هوش فرهنگی دامنه‌ی جدیدی از هوش است که ارتباط زیادی با محیط‌های کاری متنوع دارد. عده‌ای هم این نوع از هوش را یک نوع شایستگی چند وجهی می‌دانند که شامل دانش فرهنگی، عمل متفکرانه و همچنین فهرستی از مهارت‌های رفتاری است (توماس و اینکسون، ۲۰۰۴). تحقیقات نظری نشان دادند که هوش فرهنگی مفهومی چند بعدی است که شامل فراشناخت، شناخت، انگیزش و ابعاد رفتاری است (ون داین و انگ، ۲۰۰۸).

مؤلفه‌های هوش فرهنگی

ارلی و انگ (۲۰۰۳)، انگ، ون داین و گه (۲۰۰۷ و ۲۰۰۶) و فنولا (۲۰۰۹) هوش فرهنگی را به چهار مؤلفه‌ی (فراشناخت فرهنگی، شناخت فرهنگی، رفتار فرهنگی و انگیزش فرهنگی) تقسیم نمودند.

فرا شناخت فرهنگی

به فرآیندهای ذهنی‌ای اشاره می‌کند که افراد برای درک و فهم اطلاعات فرهنگی استفاده می‌کنند و شامل شناخت و کنترل فرآیندهای عقلانی مرتبط با فرهنگ افراد می‌باشد که شامل برنامه‌ریزی، کنترل و بررسی مجدد مدل‌های ذهنی هنجارهای فرهنگی برای کشورها یا گروه‌هایی از مردم می‌شود (انگ، ون داین، گه، ۲۰۰۷). بنابراین، فراشناخت هوش فرهنگی شامل سطوح بالای راهبردهای شناختی است که به افراد اجازه می‌دهد نقش‌های جدید خود را به هنگام تعاملات اجتماعی در محیط‌های فرهنگی جدید، گسترش دهند (انگ و ون داین، ۲۰۰۸). بنابراین فرد می‌تواند مفاهیم و تصاویر ذهنی خویش را بر اساس یک تجربه واقعی که با انتظاراتش هماهنگ نبوده تعدیل نماید.

شناخت فرهنگی

مؤلفه‌ی شناختِ هوش فرهنگی؛ به دانش در خصوص قوانین، تجارب، و عرف در فرهنگ‌های مختلف که به وسیله‌ی آموزش و تجاربِ افراد بدست می‌آید، اشاره دارد (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸). و شناخت هنجارها، کارها، آداب و رسوم در فرهنگ‌های مختلف به دست آمده از تجربیات آموزشی و فردی را نشان می‌دهد که شامل شناخت سیستم‌های اقتصادی، قانونی و اجتماعی فرهنگ‌های مختلف و شناخت ارزش‌های فرهنگی می‌شود (انگ، ون‌داین و که ۲۰۰۷ و ۲۰۰۶). این مؤلفه بر درک شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگ‌ها تاکید دارد.

رفتار فرهنگی

قابلیت فرد برای سازگاری با آن دسته از رفتارهای کلامی و غیر کلامی را در بر می‌گیرد که برای برخورد با فرهنگ‌های مختلف مناسب است (انگ، ون‌داین و که، ۲۰۰۷). در نتیجه افراد با هوش فرهنگی بالا می‌توانند رفتارهای خود را، در تعاملات به هنگام برخورد با فرهنگ‌های متفاوت، به خوبی تنظیم کنند. در شرایط برخورد و تعامل بین فرهنگی، رفتارهای غیرکلامی یک جزء بسیار مهم می‌باشند زیرا که همانند یک زبان خاموش عمل می‌کنند و در انتقال معنا بسیار ظریف و پنهانی عمل می‌نمایند و از آنجا که هوش فرهنگی انعطاف‌پذیر است می‌توان آن را از طریق آموزش و تربیت و تجربه یادگیری افزایش داد (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸).

انگیزش فرهنگی

نشان دهنده علاقه فرد به آزمون فرهنگ‌های دیگر و تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف است (انگ و ون‌داین و که، ۲۰۰۷). اطمینان و اعتماد فرد به اینکه توانایی لازم برای تطبیق با فرهنگ جدید را دارد. این مؤلفه بر میزان گشودگی برای تجربه تعامل با مردم سایر فرهنگها و میزان رضایتی که از آن تعاملات در خود می‌یابند، اشاره دارد و نیز توانایی هدایت توجه، علاقه و انرژی افراد برای یادگیری و عملکرد به شیوه‌های مؤثر در موقعیت‌هایی که با تفاوت‌های فرهنگی مشخص می‌شوند را منعکس می‌کند.

برخورداری از هوش فرهنگی برای معلمان در هر نظام آموزشی نیازی ضروری است که می‌تواند برای دستیابی به ارزش‌های مشترک و به منظور نیل به بهترین اهداف آموزشی و تقویت

یک جامعه متنوع، به آن کمک کند(انگ، ون داین و گه ۲۰۰۷ و ۲۰۰۶).

جدول ۱. خلاصه نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی در خصوص موضوع

نام محقق	سال	موضوع	نتایج
مشبکی و راموز	۱۳۸۵	هوش فرهنگی اکسیر موفقیت مدیران	اطلاعات و دانش مدیران از دیگر فرهنگ‌ها در حد متوسط و شاخص رفتار فرهنگی آنان در حد پایین است
هادی زاده مقدم و حسینی	۱۳۸۷	رابطه بین هوش فرهنگی و اثربخشی گروهی	بین اثربخشی گروهی و هوش فرهنگی رابطه معنادار وجود دارد
کاظمی	۱۳۸۷	بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی العالمیه	بین ابعاد هوش فرهنگی (فراشناختی، شناختی، انگیزشی، رفتاری) و عملکرد کارکنان ارتباط وجود دارد
عراقیه و همکاران	۱۳۸۸	تلفیق، راهبردی مناسب برای برنامه تدریس چند فرهنگی	مغفول بودن برنامه‌ی درسی آموزش عالی کشور به موضوع سیاست قومی و چند فرهنگی در ایران،
تسلیمی و همکاران	۱۳۸۸	ارائه راهکارهایی برای ارتقای هوش فرهنگی مدیران دولتی	افزایش کارگاه‌های آموزشی-تقویت تورهای بین المللی کاری
ون داین و انگ	۲۰۰۵	بررسی رابطه بین شخصیت افراد و چهار مؤلفه هوش فرهنگی	بین وظیفه شناسی با بعد فراشناختی هوش فرهنگی و شادابی و ثبات عاطفی با جنبه‌ی رفتاری هوش فرهنگی ارتباط معنی داری دارد
تای و همکاران	۲۰۰۶	هوش فرهنگی انگیزشی، پیش نمایش واقع بینانه شغلی	رابطه مثبت بین هوش فرهنگی انگیزشی و هر سه نوع تطبیق پذیری وجود دارد
مارگارت	۲۰۰۷	رفتار تطبیقی در محیط‌های بین فرهنگی	برون گرایی و وجدان کاری و سازگاری و گشودگی به طور مثبت با مؤلفه‌های فراشناختی، رفتاری و انگیزشی هوش فرهنگی ارتباط مثبت داشته است

نام محقق	سال	موضوع	نتایج
انگ	۲۰۰۷	هوش فرهنگی: سنجش و تأثیراتش بر قضاوت و تصمیم‌گیری فرهنگی	هوش فرهنگی فراشناختی و شناختی با اثربخشی قضاوت و تصمیم‌گیری فرهنگی، ارتباط مثبت دارد و هوش فرهنگی فراشناختی و هوش فرهنگی رفتاری با عملکرد شغلی، ارتباط مثبت و معنی‌دار داشته است
ماریو	۲۰۰۷	محک‌وبررسی هوش فرهنگی و هوش عاطفی در بهبود مهارت‌های رهبری تحول‌آفرین جهانی	بین مهارت‌های بعد فردی (انگیزشی و مهارت‌های رفتاری) هوش فرهنگی و مهارت‌های بعد فردی رهبری تحول‌آفرین (رهبری کارزماتیک و انگیزش و توانایی نفوذ) ارتباط وجود داشته است.
دراری و زیدمن	۲۰۰۷	رابطه هوش فرهنگی و عدم اطمینان محیطی	هوش فرهنگی اهمیت و کاربرد بسیار زیادی در شناخت و ارزیابی عدم اطمینان تجاری بین‌المللی دارد.
ون داین و انگ	۲۰۰۷	هوش فرهنگی و میزان تأثیر آن بر سازگاری، تصمیم‌گیری، انطباق فرهنگی و عملکرد وظیفه‌ای	ابعاد استراتژی و رفتار هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه‌ای فرد تأثیر گذار است و ابعاد استراتژی و دانش هوش فرهنگی بر قضاوت فرهنگی و تصمیم‌گیری فرد تأثیر گذار است
کری	۲۰۰۸	روابط بین هوش اجتماعی، هوش عاطفی و هوش فرهنگی	هوش فرهنگی، هوش اجتماعی و هوش عاطفی ساختارهایی متفاوت و مجزا هستند. ساختار هوش فرهنگی یک زیر مجموعه از هوش اجتماعی است.
ون دریل	۲۰۰۸	هوش فرهنگی یک ضرورت اورژانسی در ساختار سازمانی	هوش فرهنگی سازمانی رابطه مثبتی با اثربخشی سازمانی و عملکرد سازمانی دارد.
لیور مور	۲۰۱۰	پیشرو با هوش فرهنگی راز موفقیت جدید	مؤلفه‌های انگیزشی و دانشی هوش فرهنگی در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها در ساختار و جایگاه آموزش هوش فرهنگی در اولویت هستند

خوشبختانه یافته‌ها نشان دهنده اکتسابی بودن هوش فرهنگی است (تان، ۲۰۰۴). از طرفی خود معلمان به منظور پیشبرد اهداف آموزشی در هر روز بایستی تعاملات زیادی با دانش آموزان خود داشته باشند. از آنجایی که معلمان این تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهند، آن‌ها بایستی از نیازهای متنوع و پیشینه‌های گوناگون فرهنگی دانش آموزانشان آگاه باشند، به ویژه با وجود این واقعیت که جمعیت دانش آموزانی که از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های گوناگون هستند در حال افزایش است (کلیر، ۲۰۰۸). و تنها از طریق آموزش مطالعات اجتماعی است که افراد با فرهنگ جامعه، ارزش‌ها، فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی، و مسؤولیت‌های خود نسبت به دیگران آشنا می‌شوند. هیچ یک از مواد درسی همچون مطالعات اجتماعی نمی‌تواند به تحقق این هدف‌ها کمک کند (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۸۳).

روش انجام تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. برای پاسخ به سؤالات تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی و روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه شامل، کلیه کتاب‌های رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان و کلیه دانشجویان و اعضای هیأت علمی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان کشور در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. گروه نمونه مورد پژوهش، شامل دانشجویان رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان شهر شیراز به تعداد ۱۱۰ نفر (۸۱ مرد و ۲۹ زن)، و تعداد ۱۱ نفر از اعضای هیأت علمی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان و همچنین کلیه کتاب‌های تخصصی درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان به تعداد ۸ جلد بود.

ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری اطلاعات برای سنجش هوش فرهنگی دانشجویان و اعضای هیأت علمی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، از مقیاس چهار عاملی (شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری) ارلی و انگ (۲۰۰۳) استفاده شد. در قسمت تحلیل محتوا نیز ابزار جمع‌آوری اطلاعات،

جدول کدگذاری (جدول فهرست واری) بر اساس شاخص‌های هوش فرهنگی استفاده شد. برای این منظور، از آنجا که مقوله بندی خاصی تا قبل از این تحقیق در حوزه‌ی تحلیل محتوای هوش فرهنگی صورت نگرفته بود و از آنجا که لازمی تعیین مقوله‌ها و کدگذاری آن‌ها تعیین شاخص‌ها بود؛ لذا با مطالعه منابع پژوهش و نظر متخصصان و اعضای هیأت علمی رشته مطالعات اجتماعی و بر اساس تعریف عملیاتی از هوش فرهنگی به ارائه شاخص‌هایی در خصوص هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن پرداخته شد. در تحقیق کنونی تعداد نمونه انتخاب شده تعداد ۱۱ نفر عضو هیأت علمی بود که برای احصای مقوله‌ها و تشخیص اعضای هیأت علمی به نقطه اشباع رسیده و نیازی به مصاحبه بیشتر نبود. برای تعیین مولفه بندی از روش گلوله برفی^۱ استفاده شد که در آن یک شرکت کننده در پژوهش ما را به شرکت کنندگان دیگر هدایت نمود.

در روش مصاحبه برای دسته بندی مقوله‌ها ما به جمع آوری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌دهیم که به نقطه اشباع^۲ برسیم. به عبارت دیگر وقتی که ما به یک نقطه بازده نزولی^۳ از تلاش‌های مان برای جمع آوری داده‌ها رسیدیم می‌توانیم به طور مدلل مطمئن شویم که یک مطالعه کامل را انجام داده‌ایم (ویل،^۴ ۱۹۹۶).

پایایی و روایی مقیاس‌ها

مقیاس هوش فرهنگی ارلی و انگ (۲۰۰۳) در کشورهای مختلف جهان، از جمله ایران توسط محققانی مانند کاظمی (۱۳۸۷) اجرا گردیده است و روایی آن با ارجاع به نظر متخصصان و کارشناسان به روش صوری و تحلیل عاملی تأییدی تعیین گردید (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۱). نتایج نشان دهنده همبستگی بالای سؤالات با مؤلفه‌های هوش فرهنگی بود به گونه‌ای که برای مؤلفه‌ی فراشناخت ۰/۸۲ و برای مؤلفه‌ی شناخت ۰/۷۶ و برای انگیزش ۰/۹۱ و برای رفتاری ۰/۹۲ بود. ضریب همبستگی هر سؤال با نمره کل مقیاس محاسبه گردید که تمامی سؤالات در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند.

در پژوهش حاضر نیز پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و برابر با ۰/۸۲ به دست آمد. در تحلیل محتوای این پژوهش به منظور تعیین روایی شاخص‌های تحلیل

1. Snowball sampling
3. Diminishing returns

2. Saturation
4. Kvale

محتوای سنجش هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن، (که از این شاخص‌ها، مقوله‌های چهارگانه جدول ۴ ساخته شد)، ابتدا به مطالعه منابع معتبر خارجی پرداخته شده است و سپس کلمات و عبارات مرتبط با هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن از این منابع تهیه شده و سپس با نظر متخصصان و اعضای هیأت علمی رشته مطالعات اجتماعی، کلماتی که (واحدهای تحلیل) معرف هوش فرهنگی و یا هریک از مؤلفه‌های آن می‌باشد، از این مجموعه استخراج و تصحیح و مورد نقد قرار گرفت؛ به منظور روایی بیشتر با استفاده از فرهنگ لغات، کلمات مترادف با آن‌ها نیز استخراج و در جمع آوری اطلاعات در کتب رشته مطالعات اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

به منظور بررسی پایایی در قسمت تحلیل محتوا نیز از "پایایی کدگذاری بیرونی" استفاده شد. بر این اساس از کدگذار دیگر که همکار محقق بود، خواسته شد که مجدداً به صورت تصادفی، ۲۵ درصد از کتاب‌ها را انتخاب و به تحلیل محتوای آن‌ها بر اساس جدول استخراج اطلاعات هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن بپردازد و سپس درصد توافق مشاهده شده بین آن‌ها (توافق بین داوران) را بر اساس فرمول اسکات محاسبه نماید.

$$\pi = \frac{p_o - p_e}{1 - p_e}$$

که مجموع فراوانی محقق در چهار مؤلفه ۲۶۵ و همکار محقق ۲۷۳ بود. در نهایت ضریب قابلیت اعتماد محاسبه گردید که بر اساس آن ضریب توافق مشاهده شده برابر با $(p_o = 0/97)$ و ضریب توافق مورد انتظار برابر با $(p_e = 0/66)$ به دست آمد. که بر اساس فرمول اسکات، پایایی $0/91$ به دست آمد و این بیانگر توافق بالای بین داوران بود.

$$\pi = 0/91$$

لازم به ذکر است که در تجزیه و تحلیل محتوا، ضریب پایایی باید از $0/70$ بزرگتر باشد تا بتوان به کدگذاران، مقوله‌ها، جامع و مانع بودن و در نتیجه به اعتمادبخشی پژوهش اطمینان کرد (اسفیجانی، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

سؤال اول: شاخص‌های اصلی و فرعی هوش فرهنگی کدامند؟

جدول ۲: شاخص‌های اصلی و معانی مرتبط با آن‌ها در حوزه هوش فرهنگ

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی (هم معنی و همسان)
انگیزش فرهنگی	انگیزش، همدلی، نیاز اجتماعی.
فراشناخت فرهنگی	استدلال، حل مسأله، راه حل، برنامه‌ریزی، کنترل مجدد، نظارت، خودبازیابی، موازنه، محیط ناآشنا، سعه صدر، مدارا، تحمل عقاید مخالف، ذهن باز، پذیرش نظرات و عقاید، دیدگاه‌های متفاوت و متکثر، خرد جمعی، درک و فهم، تفکر انتقادی، نقد فرهنگی، تحمل، انعطاف‌پذیری، اقناع، گشودگی، خلاقیت فرهنگی.
شناخت فرهنگی	سواد میان فرهنگی، دانش فرهنگی، عدم تعصب، فرهنگ خودی، انتقال فرهنگی، عوامل فرهنگی، ارزش فرهنگی، موقعیت فرهنگی، شایستگی فرهنگی، شرایط فرهنگی، الگوهای فرهنگی، سنت آداب و رسوم، فرهنگ، خرده فرهنگ، چند فرهنگی، تنوع قومی، شناخت احساسات، عواطف، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی.
رفتار فرهنگی	سازگاری، جذب و انطباق، رفتار هوشمندانه، تجربه قبلی، عملکرد مؤثر، توافق، تعامل میان فرهنگی، تعاون، مشارکت، تعامل اجتماعی، ارتباط فرهنگی.

در ادامه، مجموع فراوانی شاخص‌های مرتبط با هوش فرهنگی و چهار مؤلفه آن در چهار مقوله دسته‌بندی شد و سپس کدگذاری گردید.

جدول ۳: مقوله بندی و کد گذاری شاخص‌های مربوط به هوش فرهنگی

ردیف	مقوله‌ها	کد
۱	مقوله اول: تأکید بر میل و اشتیاق به پذیرفتن و احترام به سایر فرهنگها (شاخص‌های اصلی و فرعی انگیزش هوش فرهنگی).	کد ۱
۲	مقوله دوم: تأکید بر شناخت فرهنگ خودی و خود آگاهی و شناخت احساسات و عواطف خود (شاخص‌های اصلی و فرعی شناخت هوش فرهنگی).	کد ۲
۳	مقوله سوم: تأکید بر فراشناخت و برنامه ریزی و کنترل مجدد اطلاعات فرهنگی به هنگام تعامل با افرادی با فرهنگ متفاوت (شاخص‌های اصلی و فرعی فراشناخت هوش فرهنگی).	کد ۳
۴	مقوله چهارم: تأکید بر تغییر رفتار و بروز رفتار مناسب به هنگام برخورد با افراد با فرهنگ‌های مختلف (شاخص‌های اصلی و فرعی رفتار هوش فرهنگی).	کد ۴

سؤال دوم: سهم هر یک از مؤلفه‌های هوش فرهنگی در برنامه درسی قصد شده رشته

مطالعات اجتماعی به چه میزان است؟

به منظور پاسخ به این سؤال از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد. ابتدا شاخص‌ها بر اساس تعریف عملیاتی از هوش فرهنگی مشخص گردید. سپس، به منظور جمع‌آوری اطلاعات و استخراج هر چه بهتر این شاخص‌ها از میان کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، مجموع این شاخص‌ها با توجه به مؤلفه‌های چهارگانه‌ی هوش فرهنگی در چهار مقوله دسته‌بندی شده و سپس کدگذاری گردید.

به منظور بررسی هر یک از این مقوله‌ها در کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی، واحد تحلیل در نظر گرفته شده است که در این پژوهش واحد تحلیل، کلمات و عباراتی می‌باشند که شاخص‌هایی مرتبط با هوش فرهنگی و چهار مؤلفه آن شامل انگیزش، شناخت، فراشناخت و رفتار را پوشش می‌دهند.

جمع‌آوری اطلاعات با طراحی جداول میزان فراوانی توجه به شاخص‌های هوش فرهنگی و فراوانی توجه به هر یک از مقوله‌های هوش فرهنگی (جدول فهرست واری) با استفاده از کدگذاری استخراج شد.

جدول ۴. نتایج شاخص‌های به دست آمده مرتبط با هوش فرهنگی در کتب درسی رشته مطالعات

اجتماعی (فهرست واری)

ردیف	نام کتاب	نتایج و فراوانی شاخص‌ها
۱	تغییرات اجتماعی	فرهنگ (۲)، ارتباط فرهنگی (۱)، تساهل (۱)، مشارکت (۳)، ارزش فرهنگی (۲)، عوامل فرهنگی (۴).
۲	مبانی ارتباطات اجتماعی	فرهنگ (۷)، ارتباط فرهنگی (۱)، مشارکت (۲). تفاوت فرهنگی (۱)، انگیزه (۲).
۳	آسیب شناسی اجتماعی	فرهنگ (۲۲)، ارتباط فرهنگی (۱)، و مشارکت (۳)، تعامل فرهنگی (۵)، ارزش فرهنگی (۲)، انگیزه (۲)، ذهن باز (۱).
۴	نظریه‌های جامعه‌شناسی	فرهنگ (۳۸)، مشارکت (۳)، خلاقیت فرهنگی (۱)، سازگاری (۱۲)، فرهنگ پذیری (۱)، حدود فرهنگی (۱)، تعادل اجتماعی (۱)، انطباق (۱)، اجتماعی شدن (۱)، نیاز اجتماعی (۱).
۵	روان‌شناسی اجتماعی	فرهنگ (۱۵)، انطباق (۳)، سازگاری (۲)، نیاز اجتماعی (۲)، تعامل غیر کلامی (۴)، کنجکاو (۲)

ردیف	نام کتاب	نتایج و فراوانی شاخص‌ها
۶	جامعه‌شناسی خانواده	فرهنگ (۹)، انطباق (۳)، همکاری (۳).
۷	اصول علم سیاست	فرهنگ (۲۵)، مشارکت (۱)، نیاز اجتماعی (۱).
۸	جامعه‌شناسی توسعه	فرهنگ (۲۰)، مشارکت (۴۴)، تعامل بین‌المللی (۱)، یک پارچگی جهانی (۱)، بین‌فرهنگی (۱)، کنجکاوی (۲)، شرایط فرهنگی (۱)، الگوی فرهنگی (۱)، دیدگاه فرهنگی (۱)، دانش محلی (۱)، سازگاری (۱) و انطباق (۱)، دانش فرهنگی (۱).

جدول ۵: نتایج میزان توجه به مقوله‌های هوش فرهنگی در برنامه درسی قصد شده رشته مطالعات اجتماعی (کد ۱ تا ۴)

ردیف	نام کتاب	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۲	فراوانی کد ۳	فراوانی کد ۴	مجموع فراوانی کدها	تعداد کلمات ۲۵٪ نمونه کتاب
۱	تغییرات اجتماعی	۰	۸	۰	۵	۱۳	۲۳۲۵۰
۲	مبانی ارتباطات اجتماعی	۲	۷	۱	۳	۱۳	۱۳۰۰۰
۳	آسیب‌شناسی اجتماعی	۲	۲۴	۱	۹	۳۶	۱۳۶۴۰
۴	نظریه‌های جامعه‌شناسی	۱	۳۹	۳	۱۷	۶۰	۲۴۶۵۶
۵	روان‌شناسی اجتماعی	۲	۱۵	۰	۶	۲۳	۳۶۴۰۰
۶	جامعه‌شناسی خانواده	۲	۹	۰	۶	۱۷	۱۹۲۵۰
۷	اصول علم سیاست	۱	۲۵	۰	۱	۲۷	۱۶۸۴۸
۸	جامعه‌شناسی توسعه	۲	۲۵	۱	۴۸	۷۶	۱۶۰۰۰
۹	کل	۱۲	۱۵۲	۶	۹۵	۲۶۵	۱۶۳۰۴۴

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد؛ بیشترین فراوانی مؤلفه‌های هوش فرهنگی در کتاب‌های جامعه‌شناسی توسعه، نظریه‌های جامعه‌شناسی آسیب‌شناسی اجتماعی، اصول علم سیاست بود. با بررسی جدول ۵ مشخص گردید که به مؤلفه‌های هوش فرهنگی در مجموع، توجه متفاوتی شده است به طوری که بیشترین توجه به مؤلفه‌ی شناختی با فراوانی ۱۵۲، و مؤلفه رفتاری با فراوانی ۵۹ شده است و کمترین توجه به مؤلفه‌ی فراشناخت با فراوانی ۶ بود.

جدول ۶: بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هوش فرهنگی در برنامه درسی قصد شده رشته

مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

مؤلفه‌ها کتب	مؤلفه انگیزشی	مؤلفه شناختی	مؤلفه فراشناختی	مؤلفه‌ی رفتاری	کل
کتب درسی رشته	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
مطالعات اجتماعی	۱۲	۴/۵۰	۱۵۲	۵۷/۳۰	۶
	۹۵	۲/۳۰	۳۵/۹۰	۲۶۵	۱۰۰

با بررسی و توجه به جدول ۷ مشخص می‌شود که مؤلفه‌ی فراشناختی با فراوانی ۶ (۲/۳۰ درصد)، کمترین توجه و مؤلفه‌ی شناختی با فراوانی ۱۵۲ (۵۷/۳۰) بیشترین توجه را به خود اختصاص داد. با استفاده از آزمون آزمون خی دو رابطه معناداری در سطح $P < 0.01$ به دست آمد. در نتیجه کتب رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان توجه خاصی به مؤلفه شناختی و رفتاری داشتند. و حوزه فراشناختی حوزه مغفول بود.

$$\chi^2 = 222, df = 3, sig = P < .001$$

سؤال سوم: حوزه‌های مغفول، کم توجه و مورد توجه مؤلفه‌های هوش فرهنگی در کتب

درسی رشته مطالعات اجتماعی کدامند؟

جدول ۷: حوزه‌های مغفول، کم توجه، و مورد توجه هوش فرهنگی در برنامه‌های درسی قصد شده

حوزه‌ها	شاخص‌های معرف هوش فرهنگی	فراوانی
مغفول	خطا شکیبی، همدلی، استدلال، خود بازیابی، محیط ناآشنا، سعه صدر، مدارا و تحمل عقاید مخالف، پذیرش نظرات و عقاید، خرد جمعی، تفکر انتقادی، تحمل، انعطاف‌پذیری، نیاز اجتماعی، درک و فهم، تفکر واگرا، نقد فرهنگی، سواد میان فرهنگی، عدم تعصب، فرهنگ خودی، انتقال فرهنگی، ارزش فرهنگی، موقعیت فرهنگی، شایستگی فرهنگی، الگوهای فرهنگی، خرده فرهنگ، چند فرهنگی، تنوع قومی، شناخت احساسات و عواطف دیگری، خودآگاهی، سازش، جذب و انطباق، توافق، تعاون، تطابق، تعامل اجتماعی.	صفر
کم توجه	ذهن باز، خلاقیت فرهنگی، دانش فرهنگی، حدود فرهنگی.	یک
مورد توجه	فرهنگ، ارتباط فرهنگی، تعامل میان فرهنگی، مشارکت.	بیش از دو

همانگونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود بسیاری از مؤلفه‌های هوش فرهنگی در کتب

مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان مغفول می‌باشد.

نتیجه گیری و بحث

قلمرو برنامه درسی مطالعات اجتماعی بسیار وسیع است اما هسته‌ی مرکزی مطالعات اجتماعی همواره آمادگی برای پذیرش نقش شهروندی جهانی و حساسیت نسبت به سوگیری‌ها و پیش‌داوری‌های فرهنگی است.

با نگاهی به حوزه‌های مغفول و کم توجه هوش فرهنگی، نتایج حاکی از بی‌توجهی به مؤلفه‌های فراشناخت و انگیزش در برنامه درسی قصد شده رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان کشور داشت. نتایج تحقیقات گذشته در بررسی برنامه درسی قصد شده مطالعات اجتماعی ابتدایی و متوسطه نیز نشان می‌دهد که میزان توجه به علایق و نیازهای دانش آموزان در حد متوسط و روبه پایین می‌باشد (صادقی جولا، ۱۳۷۴؛ کاظم پور غفاری، ۱۳۸۸). و میزان توجه به نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان در این کتب در حد کفایت نیست و میزان کافی فرصت مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی خارج از کلاس برای دانش آموزان ایجاد نگردیده است (نارمنجی، ۱۳۸۰)؛ که این امر نشان از ضعف پایه‌ای در برنامه‌های درسی و عدم توجه به همه‌ی ابعاد هوشی و اجتماعی و رفتاری دانش آموزان، در این کتب دارد. اما در مهم‌ترین تحقیق هم‌راستا با نتایج این پژوهش که توسط عراقیه و همکاران (۱۳۸۸) و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۶) انجام گرفت مشخص گردید که برنامه درسی آموزش عالی کشور نسبت به سیاست‌های قومی و چندفرهنگی مغفول است و در این زمینه راهبردی ندارد که این امر موجب مشکلاتی از جمله عدم چالاک‌ی برنامه درسی ایران در بستر بین‌المللی کردن آن ایجاد کرده است.

شناخت جامعه چندفرهنگی، آشنایی با اقوام و فرهنگ‌های مختلف کشور و جهان، پرورش یادگیرندگان با روحیه نقادی از اهداف مطالعات اجتماعی است که می‌تواند زیر مجموعه‌هایی مهم در مباحث برنامه درسی مطالعات اجتماعی باشد (موسی پور، ۱۳۸۵). عصر توسعه پدیده جهانی شدن، همراه با تحول خاص در دنیای کار (عارفی، ۱۳۸۳) طبیعتاً ایفای نقش مؤثر در این محیط (پدیده جهانی شدن) منوط به ایجاد تغییرات لازم در برنامه‌های درسی است (دهقان، ۱۳۸۰).

از این رو تغییر رویکرد برنامه درسی مطالعات اجتماعی از شناخت‌شناسی "ژنتیکی" به شناخت‌شناسی "فرهنگی" در راستای بسط تعاون و همدلی و درک سایر فرهنگ‌ها یکی از اولویت

های امروز جامعه ایران باشد. تاکید بیشتر نظام آموزشی بر هوش فرهنگی که بر پایه شناخت شناسی ساختن‌گرایی است به جای حیطه شناختی و هوش منطقی-ریاضی که خود بر پایه رویکرد شناخت شناسی ژنتیکی است می‌تواند زمینه ساز بسط احترام به سایر دیدگاه‌ها باشد. همان‌گونه که پلات کین (۲۰۱۰) اشاره نمود فرهنگ یعنی نشر دانش. پس اگر در آنچه که می‌دانید، دیگران را نیز سهیم نمایید و توانایی کسب دانش از دیگران را نیز داشته باشید پس می‌توانید خلاقانه به فرهنگ ورود کنید. در همین راستا ادگار مورن (۱۳۹۴) اشاره می‌کند که: "دیگری هم زمان، هم فردی همسان است و هم فردی ناهمسان. فردی همسان با نشانه‌ها و رفتارهای انسانی یا فرهنگی مشترک، و فردی ناهمسان با ویژگی‌ها و یکتایی‌های فردی‌اش یا تفاوت‌های قومی‌اش. از این رو هر کس در وجودش حامل یک دیگری است. از این رو ارتباط با دیگری زیربنایی است. دیگری در هر کس، بالقوه وجود دارد و بایستی برجسته و زنده شود تا اینکه هرکس خود شود. از این رو هوش حق داشت که بگوید: جهنم در تمامیتش در واژه تنهایی نهفته است".

در پایان پیشنهادهایی برای توسعه دانش هوش فرهنگی به اختصار مطرح می‌گردد:

۱. برگزاری کارگاه‌های تفکر نقاد برای دانشجویان و اعضای هیأت علمی که زمینه ساز گشوده

ذهنی نسبت به سایر دیدگاه‌ها است.

۲. بسط امکان تعاملات میان فرهنگی برای اعضای هیأت علمی.

۳. امکان ارائه گزارش‌های بین‌المللی برای فراهم نمودن چارچوب مفهومی جهت اندیشیدن

درباره فرهنگ‌ها.

۴. انجام پژوهش در زمینه‌ی غلبه بر موانع فرهنگی هوش فرهنگی.

۵. انجام پژوهش در حوزه زمینه‌های هوش فرهنگی مبتنی بر فرهنگ بومی.

منابع

الف. فارسی

۱. استیری، داوود (۱۳۷۴). **برنامه ریزی درسی**، خلاصه مقالات. اداره کل آموزش و پرورش شهر

تهران.

۲. اسفیجانی، اعظم (۱۳۸۷). مقایسه کتاب‌های درسی علوم ایران آمریکا و انگلستان از نظر میزان

توجه به مهارت‌های گوناگون در پژوهش. **فصلنامه مطالعات برنامه درسی**، سال دوم، ش ۸.

۳. پاشا شریفی، حسن. (۱۳۷۶). **نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش شخصیت**. تهران: انتشارات سخن.
۴. پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۴). **روان‌شناسی هوش و سنجش آن**. تهران: انتشارات پیام نور، چاپ ششم.
۵. تسلیمی، محمد سعید. قلی پور، آرین. فریدون، وردی نژاد. من آل آقا، میترا. (۱۳۸۸). ارائه راهکارهایی برای ارتقاء هوش فرهنگی مدیران دولتی در امور بین‌المللی. **پژوهش‌های مدیریت**، سال دوم، شماره چهارم.
۶. حمیدی، فریده و ابراهیم دماوندی، مجید و دهنوی، الهام (۱۳۹۱). رابطه هوش فرهنگی و سواد کامپیوتری معلمان با سبک مدیریت کلاسی آنان. **فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی**، سال سوم، شماره اول.
۷. دهقان، محمود. (۱۳۸۰). **نظام واحد جهانی، از رویا تا حقیقت**. روزنامه اطلاعات، ۲۰ دی.
۸. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. (۱۳۸۳). **ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی، راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی برای ناشران نویسندگان و معلمان مؤلف**، دفتر انتشارات کمک آموزشی، ویژه آموزش مطالعات اجتماعی.
۹. سسیل نورث، داگلاس (۱۳۷۹). **ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی**. ترجمه غلامرضا آزاد برمکی. تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۸۱).
۱۰. سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). **روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش**. تهران: انتشارات آگاه.
۱۱. صادقی جولا، رضا. (۱۳۷۴). **بررسی نظرات دبیران و دانش آموزان نسبت به محتوای کتاب دانش اجتماعی سال اول نظام جدید آموزش متوسطه در شهرستان دزفول**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۱۲. عارفی، محمد. (۱۳۸۳). **بررسی برنامه های درسی رشته علوم تربیتی در آموزش عالی ایران و راهکارهایی برای بهبود آن**. رساله دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. عسکری، خانقاه اصغر و محمد کمالی، شریف (۱۳۷۸). **انسان شناسی عمومی**. تهران:

انتشارات سمت.

۱۴. عراقیه، علی رضا؛ فتحی و اجارگاه کوروش. فروغی ابری، احمد علی و فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۸). تلفیق، راهبردی مناسب برای تدوین برنامه درسی چندفرهنگی. **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره دوم، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۶۵.
۱۵. فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۶). **برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید**، ج ۱، تهران: انتشارات آبیژ.
۱۶. فروید، زیگموند (۱۳۸۷). **تمدن و ناخرسندی‌هایش**، (ترجمه محمد مبشری). تهران: نشر ماهی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۳۰).
۱۷. فروید، زیگموند (۱۳۸۳). **چرا جنگ؟**، (ترجمه خسرو ناقد). تهران: نشر آبی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۳۲).
۱۸. کاظم پور، اسماعیل و غفاری، خلیل. (۱۳۸۸). **ارزشیابی برنامه‌ی درسی اجرا شده‌ی درس مطالعات اجتماعی آموزش متوسطه شاخه‌ی نظری**، با استفاده از مدل سه بعدی روبیتایل. **فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت**، سال دوم، شماره سوم.
۱۹. کاظمی، معصومه (۱۳۸۷). **ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد جامعه المصطفی العالمیه**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: مجتمع آموزش عالی قم.
۲۰. کونگ، هانس. (۱۳۸۹). **اخلاق جهانی ضرورت جامعه جهانی**. (ترجمه سید حسین شرف الدین). **مجله معرفت اخلاقی** شماره ۵.
۲۱. مارنات، گری گراث. (۱۳۷۳). **راهنمای سنجش روانی**. (جلد اول). ترجمه حسن پاشا شریفی و محمد رضا نیکخو، تهران: انتشارات رشد.
۲۲. مشبکی، اصغر؛ نجمه، راموز. (۱۳۸۵). **هوش فرهنگی اکسیر موفقیت مدیران در کلاس جهانی**، چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران، گروه پژوهشی آریانا.
۲۳. مورن، ادگار. (۱۳۹۴). **هویت انسانی**. ترجمه امیر نیک پی و فائزه محمدی. تهران: انتشارات قصیده سرا.
۲۴. موسی پور، ن. (۱۳۸۵). **مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه**. ج ۲، تهران: پیام اندیشه.

۲۵. نائیجی، محمود؛ عباسعلی زاده، منصوره (۱۳۸۶). هوش فرهنگی: سازگاری با ناهمگون‌ها. *ماهنامه ی تدبیر*، شماره ۱۴۱، سال هجدهم.
۲۶. نارمنجی، صدیقه. (۱۳۸۰). *ارزشیابی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه دانش آموزان و نظرات دبیران شهرستان بیرجند*. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران.

ب. انگلیسی

27. Ang, S., Dyne, L.V. (2008). Conceptualization of cultural intelligence. In Soon Ang and Linn Van Dyne (Eds.). *Handbook of cultural intelligence theory, measurement and application* (pp. 3-15). New York: M.E. Sharpe, Inc.
28. Ang, Soon & Dyne, Line Van & Koh Christine. (2006). "Personalit Correlates of the For – Factor Model of Cultural Intelligence". **Group & Organization Management**. Vol 31 No.1.pp .100-123.
29. Apple, Michael W. (2004). **Ideology and Curriculum** (Third Edition)...London, Routledge Falmer.
30. Bent, R & Unruh, A. (1969). **Secondary School Curriculum**. Boston. Publisher Heath.
31. Benton, Graham - Lynch, Timothy. (2009).**Globalization cultural Intelligence and Maritime Education**. California State University.
32. Clare, V. B. (2008). **Cultural diversity and white teacher scaffolding of student self – regulated learning in Algebra classes**. M.A. thesis Ohio University.
33. Erez, M., & Earley, P.C. (1993).**Culture, self-identity, andwork**. New York: Oxford University Press.intelligences, Business Horizons, 48(6), 501-512.
34. Elfand, M. J., Erez, M., &Aycan, Z. (2007).**Cross-cultural organizational behavior**.In Fiske, D.L.
35. Earley P.C & Ang s. (2003). **Cultural Intelligence: indivisual interaction across cultures Stanford**. CA. Stanfors Business Books.
36. Earley P.C & Mosakowski. (2004). Cultural Intelligence. **Harvard Business Review**, October, pp 13-25.
37. Early, P. C., & Peterson, S. R. (2004). The elusive cultural chameleon: Cultural intelligence as a new approach to intercultural training for the

- global manager. **Academy of Management Learning and Education**, vol.3, No.1, pp100-115.
38. Evans, k, Fitton, A and Hildebrand, J. (2006). **Social studies world culture**. Department of education. Atlantic Canada social studies curriculum.
39. Feola, F. J. (2009). **Culturally responsive professional development through conceptual change: A case study of substitute teachers in urban school districts**. M.A. Thesis, Cleveland state University.
40. Herrmann, E, Call, J, Lloreda, M & Tomasello, M. (2007). Human have evolved specialized skills of social cognition: the cultural intelligence hypothesis. **Science**. Vol. 317, no. 5843, pp. 1360-1366.
41. Harrison. A and Bramson. R. (2002). **The art of thinking**. Berkely Publishing Group.
42. Kavale, Steiner. (1996). **Interviews: An introduction to qualitative research interviewing**. Thousand Oaks. CA: Sage.
43. Piaget, J. (1970). **Genetic epistemology**. Columbia university press.
44. Peterson B. (2004). **Cultural intelligence: A gude to working with people from other cultures**. Yurmouth, ME. Intercultural Press.
45. Plotkin, H. (2010). **Evolutionary worlds without end**. Oxford university press.
46. Sternberg, R. J., & Detterman, D. K. (Eds.). (1986). **what is intelligence? Contemporary viewpoints on its nature and definition**. Norwood, NJ: Ablex.
47. Sternberg, R. J. (1999): The theory of successful intelligence. **Review of General Psychology**, 3, 292-316.
48. Sternberg, Robert J., ed. (2000). **Handbook of Intelligence**. Cambridge: Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-59648-0.
49. Tan, Joo-seng. (2004). Cultural Intelligence and the Global Economy. **LIA**, vol24, numbers 5, pp19-21.
50. Thomas, D. C. (2006). Domain and development of cultural intelligence: The importance of mindfulness. **Group & Organization Management**, 31(1), pp. 78-99.
51. Van Dyne, L. & Ang, S. (2008). **The Sub-Dimensions of the Four Factor Model of Cultural Intelligence**. Technical Report. Cultural Intelligence Center.

